

خبر



بحران فرزندآوری در آلمان

فرزندآوری به عنوان یک رفتار اجتماعی از جمله موضوعاتی است که در طول یک دهه اخیر به طور روزافزونی در جامعه مطرح بوده و بررسی تحولات فرزندآوری در خانواده‌ها به یکی از مهمترین مباحث حوزه اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده است. در دهه‌های اخیر عواملی همچون شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات، ورود زنان به بازار کار و تغییر در سبک زندگی افراد از جمله شاخص‌های جهانی هستند که بر تصمیم خانواده‌ها بر فرزندآوری تأثیر گذاشته، اما از آنجایی که رشد جمعیت و جوانی آن از جمله عوامل مهم در برنامه‌ریزی دولت‌ها و رشد اقتصادی کشورهاست، کشورهای مختلف سیاست‌های متنوعی را برای تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری آغاز کرده‌اند. این سیاست‌ها بسته به کشور، فرهنگ، میزان توسعه‌یافتگی و سیاست‌های اقتصادی آن متفاوت خواهد بود، اما موضوعی که در همه کشورها یکسان به نظر می‌رسد، پیچیدگی برنامه‌ریزی برای سوق دادن خانواده‌ها به فرزندآوری است. از آنجا که فرزندآوری امری آزادانه، مسئولانه و داوطلبانه است این زوجین هستند که با وجود تمامی سیاست‌های فرزندآوری، در نهایت در این خصوص تصمیم‌گیری می‌کنند. از جمله کشورهایی که با قدرت این سیاست‌های تشویقی را دنبال می‌کند آلمان است. این غول اقتصادی اروپا با پیر شدن سریع جمعیت دست‌وپنجه نرم می‌کند. این کشور پایین‌ترین میزان نرخ زادوولد را در کل اتحادیه اروپا دارد. بر اساس آمار، حدود ۲۰ درصد از زنان آلمانی هیچ بچهای ندارند. آلمان در تلاش برای افزایش نرخ زادوولد، مزایای زیابان و مراقبت از کودکان را در یک دهه گذشته به طور چشمگیری افزایش داده است. همچنین سیاست‌های انگلا مرکل (صدراعظم پیشین آلمان) در سال ۲۰۱۵ برای پذیرش بیش از یک میلیون پناهنده از مناطق جنگ‌زده سوریه و عراق را نیز می‌توان در همین حوزه تفسیر کرد.

مرکل برای تشویق زنان به فرزندآوری، حقوقی را برای زنانی که خود مراقبت از فرزندشان را در منزل به عهده داشتند، پیشنهاد کرد. همچنین به پدران و مادران شاغل که به دلیل تولد فرزند یا مرخصی نگهداری از کودک برای مدتی دستمزد دریافت نکرده‌اند کمک‌های مالی در نظر گرفت. دولت مرکل علاوه بر این تضمین کرد که والدین حق برگشت به کار تا ۱۴ ماه بعد از گرفتن مرخصی از محل کار خود را خواهند داشت. دولت آلمان ۱۴ هفته مرخصی مادران به زنان می‌دهد که می‌تواند تا ۳۶ هفته ادامه یابد. همچنین دولت لایحه‌ای برای معافیت مالیاتی خانواده‌ها به تصویب رسانده است و این ایده مطرح شده که مالیات مهدکودک‌ها را حذف کند تا با پایین آمدن هزینه‌های مهدکودک، انگیزه والدین شاغل برای فرزندآوری بیشتر شود.

این سیاست‌های تشویقی مهاجرانی که در این کشور زندگی می‌کنند را نیز دربر می‌گیرد و به آنها اجازه می‌دهد که از این مزایا برخوردار شوند. به طور مثال این کشور تصویب کرده که دولت موظف به کمک به مهاجرانی است که چندین سال در این کشور زندگی کرده‌اند و فرزندان‌شان تا ۱۷ سالگی در کشور آلمان تحصیل کرده‌اند. طبق این توافق، دولت می‌بایست کمک‌هزینه تحصیلی به این افراد بپردازد و در سنین کودکی نیز با سبدهای حمایتی به این افراد کمک مالی کند.



گزارش

در مورد نرخ تغییرات خانواده در ایران از جمله در مورد روند افزایشی طلاق باید ملاحظاتی را در نظر داشت. درست است که این روند افزایشی است و معمولاً از شاخص «نسبت طلاق به ۱۰۰ ازدواج» برای ترسیم وضعیت طلاق استفاده می‌شود، اما با در نظر گرفتن شاخص‌های پیچیده‌تری مانند «شاخص نرخ تعدیل‌شده طلاق» و «میزان دوام زندگی زناشویی» می‌توان گفت این روند افزایشی، نسبت به آمار جهانی، شیب کندتری داشته است. البته این روند افزایشی ولی کند، در سال ۱۴۰۰، ثن‌دتر شد. آمار این سال که در نمودار ۱ نیمه‌ده نشان می‌دهد که از دواج، ۵۶۸ هزار و ۵۴۵ مورد طلاق، ۲۰۱ هزار و ۵۹۹ مورد بوده و حدود ۹ درصد نسبت به سال ۱۳۹۹، رشد داشته که شیب افزایشی شدیدتری را نسبت به سال‌های قبل نشان می‌دهد.

نسبت طلاق به ازدواج

ابتدا برای ساده‌سازی آمار از همان شاخص «نسبت طلاق به ۱۰۰ ازدواج» استفاده می‌کنیم. این نسبت در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکا، بالای ۵۰ است (در برخی کشورها تا ۸۰ و ۹۰) و در کشورهای آسیای جنوب شرقی مانند سنگاپور، چین و ژاپن، حدود ۳۰ است. این نسبت برای ایران در سال ۹۳، حدود ۱۶ بود. در این سال نسبت طلاق حتی در کشورهای عربی مانند عربستان، کویت، قطر و امارات نیز بیش از ایران بود، اما طی سال‌های گذشته، نرخ طلاق در ایران رشد بیشتری داشته است. در سال ۱۳۹۷، از هر ۱۰۰ ازدواج، ۳۳ طلاق ثبت شد و نسبت طلاق ثبت‌شده در مناطق شهری نزدیک به دو برابر مناطق روستایی بود. باید توجه داشت طلاق‌هایی که در یک سال بخصوص روی می‌دهد ممکن است در سال قبل در خواست شده باشند و معمولاً بر پایه ازدواج‌هایی هستند که در چندین سال قبل رخ داده‌اند.

نتایج آمارها و گزارش‌ها نشان می‌دهد خانواده در ایران همراه با سایر زیرسیستم‌های اجتماعی تغییراتی کرده که شامل افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج، کاهش نرخ باروری و کاهش بُعد خانواده است. روند افزایشی طلاق در مناطق شهری از سال ۱۳۷۵ و در مناطق روستایی از سال ۱۳۸۰ آغاز شد و همگام با آن نیز ما با روند کاهشی ازدواج مواجه بوده‌ایم. البته نمودار ۱ نشان می‌دهد در برخی سال‌ها مانند سال ۹۵ و ۹۹، روند ازدواج اندکی افزایشی بوده است.

شاخص دوام ازدواج

طی سال‌های گذشته، شاخص‌های مربوط به «دوام ازدواج» نیز دستخوش تغییراتی شد. بر اساس داده‌های پایگاه اطلاعات جمعیت کشور، طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۲ در نیمی از طلاق‌های رخ داده، عمر ازدواج کمتر از ۵ سال و بیشترین میزان طلاق در ازدواج‌های «یک سال و کمتر» بوده است. همچنین بالاترین میزان طلاق، ویژه سنی زنان در گروه سنی «۱۵ تا ۱۹ ساله» با میزان ۲۷،۷ برای «مردان ۲۰ تا ۲۴ ساله» با میزان ۲۱ است. میزان بالای طلاق ویژه سنی در گروه‌های ۱۴-، ۱۰-۱۹ و ۱۵-۲۴ سالگی، نشان از ناموفق بودن الگوی ازدواج در سنین پایین است که باید برای آن راه‌حلی یافت. به عبارت دیگر، نباید با هدف افزایش ازدواج و نرخ باروری، الگوی سنی پایین را برای ازدواج تبلیغ و ترویج کرد بلکه باید راهکارهای دیگری از جمله تأکید بر ازدواج مجدد و هنجارسازی آن تأکید کرد که در ادامه توضیح داده می‌شود. بنابراین نتیجه سوم این است که فرهنگ‌سازی برای ازدواج مجدد ضروری است. آمارها

از تحلیل این آمار، چند نتیجه قابل ارائه است. نتیجه اول اینکه ساختار جمعیتی طلاق در ایران، بسیار جوان است. بیشتر زوج‌ها در پنج سال اول از هم جدا می‌شوند و رتبه دوم جدایی متعلق به پنج سال دوم؛ یعنی بین سال‌های پنجم و دهم ازدواج است. این موضوع به این معناست که گروه‌های سنی که قابلیت باروری دارند، جدا می‌شوند و این موضوع بر نرخ باروری، اثر منفی می‌گذارد و آن را کاهش می‌دهد. نتیجه دوم اینکه ازدواج زودرس، منجر به طلاق زودرس می‌شود؛ نه پایداری ازدواج و فرزندآوری. بر اساس داده‌ها، بالاترین میزان طلاق طی سال ۹۲ تا ۹۷، ویژه سنی زنان در گروه سنی «۱۵ تا ۱۹ ساله» با میزان ۲۷،۷ و برای «مردان ۲۰ تا ۲۴ ساله» با میزان ۲۱ است. میزان بالای طلاق ویژه سنی در گروه‌های ۱۴-، ۱۰-۱۹ و ۱۵-۲۴ سالگی، نشان از ناموفق بودن الگوی ازدواج در سنین پایین است که باید برای آن راه‌حلی یافت. به عبارت دیگر، نباید با هدف افزایش ازدواج و نرخ باروری، الگوی سنی پایین را برای ازدواج تبلیغ و ترویج کرد بلکه باید راهکارهای دیگری از جمله تأکید بر ازدواج مجدد و هنجارسازی آن تأکید کرد که در ادامه توضیح داده می‌شود. بنابراین نتیجه سوم این است که فرهنگ‌سازی برای ازدواج مجدد ضروری است. آمارها

نمودار ۱			
توزیع درصدی نگرش به ازدواج با فردی که قبلاً ازدواج کرده			
سال اجرای پیمایش	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۷
مخالف	۵/۶۲	۲/۶۲	۳/۷۷
فرقی ندارد	۳/۲۵	۳/۲۵	۷/۲۱
موافق	۲/۱۲	۷/۱۲	۲۰

شاخص سالخوردگی جمعیت در ایران چیست

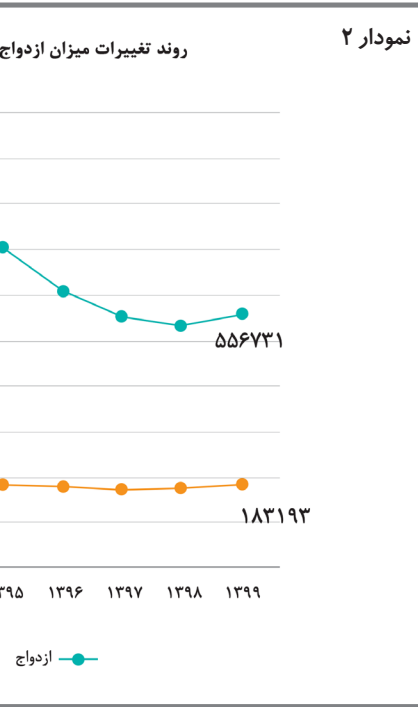
در یک تعریف ساده، یک کشور سالمند کشوری است که تعداد افراد سالمند با جمعیت بالای ۶۰ساله آن بالا باشد. اما این رقم همه چیز را درباره جمعیت آن کشور و نیروی کار آن به مانمی‌گوید.

گزارش



فرض کنید یک کشور دارای جمعیت سالمند بالایی است، اما در عین حال تعداد زادوولد در کشور هم زیاد باشد؛ چنین کشوری می‌تواند امیدوار باشد که در آینده از نظر تعداد نیروی کار با مشکل چندانی مواجه نمی‌شود. برای فهم دقیق‌تر از سالمندی کشورها و تأثیر آن بر نیروی کار آینده، شاخصی به نام «نسبت سالخوردگی جمعیت» در کشورها محاسبه می‌شود که از نسبت جمعیت ۶۰ساله و بیشتر به جمعیت زیر ۱۵ سال یک کشور بدست می‌آید. این شاخص نشان می‌دهد به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت زیر ۱۵ سال، چند نفر جمعیت بالای ۶۰سال در یک کشور وجود دارد.

به طور کلی دو عامل مهم در تغییر این شاخص مهم هستند: نخست افزایش یا کاهش امید به زندگی و دوم نرخ باروری. به عبارت دیگر، هر چه امید به زندگی در یک کشور افزایش یابد،



نشان می‌دهد حدود ۶۰ درصد طلاق‌ها، قبل از سن ۳۰ سالگی رخ می‌دهد. با توجه به اینکه الگوی ازدواج مجدد کمتر از ۵۰ درصد و با تأخیر همراه است، علاوه بر کاهش نرخ باروری، مسائل روانی، اجتماعی و فرهنگی زیادی به‌ویژه زنان مطلقه پدید می‌آید. بر اساس پایگاه داده جمعیت کشور در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷، فقط ۴۶،۸ درصد از طلاق‌های ثبت‌شده برای زنان در سال ۱۳۹۲، تا سال ۱۳۹۷ ازدواج مجدد کرده‌اند. بنابراین ۵۳،۲ درصد از افرادی که جدا شده‌اند، حتی در ۵ سال اول نیز ازدواج نمی‌کنند. این مسئله و بی‌توجهی فرهنگی و سیاستی به ازدواج مجدد در ایران، تأمل برانگیز است و نشان از آن دارد که در فرهنگ عمومی نیز به هنجارسازی ازدواج مجدد اقدام نشده است. جدول ۱، نگرش ایرانیان به ازدواج با فردی که قبلاً ازدواج کرده بر اساس پیمایش‌های ملی در سال‌های اخیر را نشان می‌دهد (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج سوم، ۱۳۹۴، وضعیت اجتماعی فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران، ۱۳۹۵)، بررسی نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده، ۱۳۹۷؛ به نقل از رازی، ۱۴۰۰). نتایج این پیمایش‌ها نشان می‌دهد اکثریت پاسخگویان با ازدواج با فردی که قبلاً ازدواج کرده مخالفند.

جامعه، فرهنگ و اخلاق

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ و پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه در سال ۱۳۹۶ نتایج تقریباً مشابهی را نشان داد. بر اساس این پیمایش‌ها، حدود ۶۰ درصد مخالف و در مقابل حدود ۱۲ درصد موافق هستند. در این دو پیمایش حدود ۲۵ درصد نظر بینابینی داشتند. با این حال در پیمایش سال ۱۳۹۷ در خصوص نگرش جوانان به ازدواج سسوالی که بر سیده شده بود عبارت بود از اینکه «آیا حاضرید با فردی که طلاق



زندگی منتشر شده نشان می‌دهد این رقم در سال‌های آتی، مجدداً افزایش خواهد یافت.

در این بین ذکر این نکته ضروری است که افزایش این شاخص لزوماً منفی نیست. فراموش نکنیم بخشی از این نسبت به امید به زندگی در کشور بازمی‌گردد که با افزایش آن، این شاخص هم افزایش می‌یابد. بنابراین افزایش بیش از ۲۰ ساله امید به زندگی در کشور طی دهه‌های اخیر، یکی از عوامل اصلی افزایش این نسبت است. اما از سوی دیگر، کاهش شتابان نرخ باروری نیز عامل بسیار مهمی در افزایش این شاخص بوده که به طور مشخص از دهه ۱۳۷۰ در کشور آغاز می‌شود.